

نگاهی به اقتصاد سیاسی ایران
از دههٔ ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۵

محمد رحمان زاده هروی



نشر اختران

فهرست مطالب

۲۱.....	پیشگفتار.....
	فصل یکم: انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و تأثیر آن بر ساختار سیاسی و اقتصادی ایران
۲۷.....	بخش یکم: انقلاب ۱۳۵۷ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران از آغاز تاکنون.....
۲۷.....	(۱) مقدمه.....
۳۰.....	(۲) شورای انقلاب و اقتصاد ایران.....
۳۷.....	(۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی و اقتصاد ایران.....
۴۵.....	بخش دوم: چکیده روند دگرگونی در ساختار کلان اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۸ تاکنون.....
۴۵.....	(۱) نگاهی گذرا به رویکردهای توسعه اقتصادی پس از انقلاب.....
۵۴.....	(۲) روند تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹.....
۵۶.....	(۳) روند تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶.....
۵۹.....	(۴) روند تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲.....
۶۲.....	(۵) برنامه خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی.....
۶۵.....	(۶) بازرگانی خارجی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲.....
۷۲.....	(۷) چند شاخص عملکردی بنگاه‌های بزرگ صنعتی.....
	فصل دوم: پیدایش صنعت مدرن در ایران از قاجاریان تا آغاز دهه ۱۳۴۰ خورشیدی
۷۵.....	بخش یکم: روند صنعتی شدن کشور از ناصرالدین‌شاه تا کودتای ۱۲۹۹.....
۷۵.....	(۱) اقتصاد جهانی، تولید یا تجارت؟.....
۸۱.....	(۲) ویژگی‌های سیاسی دوران قاجار.....
۸۵.....	(۳) جمعیت، طبقات اجتماعی و اقتصاد دوران قاجار.....
۸۷.....	(۴) فرآورده‌های صنعتی در دوران قاجار.....
۹۰.....	(۵) جوانه‌های صنعتی شدن در دوران قاجار.....
۹۲.....	(۶) از انقلاب مشروطیت تا کودتای اسفند ۱۲۹۹.....
۹۵.....	بخش دوم: صنایع نساجی از سال ۱۳۰۰ تا کنون.....
۹۵.....	(۱) مقدمه.....
۱۰۱.....	(۲) صنعت نساجی ایران از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۲۰.....
۱۰۲.....	۱-۲) کارخانه وطن.....
۱۰۴.....	۲-۲) نساجی مازندران.....

.....	۴۸۱	(۱) مقدمه
.....	۴۸۲	(۲) بانک و بانکداری در ایران
.....	۴۸۶	(۱-۲) بانکداری در ایران از ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی
.....	۴۹۱	(۲-۲) بانک و بانکداری در ایران از انقلاب ۱۳۵۷ تا دهه ۱۳۸۰
.....	۴۹۶	(۳-۲) بانک و بانکداری از میانه دهه ۱۳۸۰ به این سو
.....	۵۰۱	(۴-۲) نقش بانک‌های ایران در صنعت و اقتصاد کشور و آینده آن
.....	۵۰۷	(۳) سرمایه، سرمایه‌گذاری و چند بنگاه سرمایه‌گذار در ایران
.....	۵۰۹	(۱-۳) مفهوم سرمایه، و پیوند آن با شکوفایی اجتماعی (توسعه)
.....	۵۱۰	(۲-۳) سرمایه، و سرمایه‌گذاری در ایران
.....	۵۲۷	بخش چهارم: خدمات بیمه و بیمه‌گری از سال ۱۳۴۰ تاکنون
.....	۵۲۷	(۱) مقدمه
.....	۵۲۹	(۲) خدمات حمایتی و بیمه تأمین اجتماعی
.....	۵۳۰	(۱-۲) بیمه سازمان تأمین اجتماعی
.....	۵۳۲	(۲-۲) سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا)
.....	۵۳۳	(۳-۲) بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت (بیمه سلامت)
.....	۵۳۴	(۳) بیمه‌های بازرگانی (صنعت بیمه)
.....	۵۳۷	(۱-۳) جایگاه ایران در صنعت بیمه جهان
.....	۵۴۰	(۲-۳) جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد ایران
.....	۵۴۵	سخن پایانی
.....	۵۵۱	منابع
.....	۵۵۶	نمایه

فهرست جدول‌های کتاب

شماره جدول	نام جدول	صفحه
فصل یکم: انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و تأثیر آن بر ساختار اقتصادی و سیاسی ایران		
۱-۱	وضعیت جمع شرکت‌های خصوصی زیر پوشش صنایع ملی در سال ۱۳۶۰	۴۶
۲-۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ برای سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹	۵۶
۳-۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲	۵۹
۴-۱	صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱	۶۱
۵-۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ برای سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲	۶۲
۶-۱	صادرات نفتی و غیرنفتی برپایه ارزش برای سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳	۷۰
۷-۱	ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱	۷۱
۸-۱	چند کشور عمده مبدأ واردات، برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳	۷۱
۹-۱	چند شاخص عملکرد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴	۷۲
فصل دوم: پیدایش صنعت نوین در ایران		
۱-۲	برآورد جمعیت ایران در سال‌های پایانی سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰	۸۶
۲-۲	آمار فعالیت کارگاه‌های بزرگ نساجی بالای صد نفر در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴	۹۶
۳-۲	آمار واردات نساجی کل کشور در سال ۱۳۹۴	۹۷
۴-۲	آمار صادرات نساجی کل کشور در سال ۱۳۹۴	۹۸
۵-۲	صنایع نساجی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۷ خورشیدی در ایران	۱۰۲
۶-۲	صنایع نساجی تازه تأسیس در بازه زمانی سال‌های ۱۳۲۰ تا کنون	۱۱۰
۷-۲	آمار فعالیت کارگاه‌های بزرگ چرم و کفش بالای صد نفر در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴	۱۲۴
۸-۲	ارزش تولید، هزینه واسطه و ارزش افزوده صنایع نساجی، چرم و کفش در ...	۱۲۴
۹-۲	ارزش صادرات و واردات چرم، کیف و کفش در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲	۱۲۵
۱۰-۲	کارگاه‌های بزرگ صنایع تولید مواد غذایی بالای صد نفر در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴	۱۳۴
۱۱-۲	صنایع قند چغندری برپا شده در بازه زمانی سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۳۵۶	۱۳۷
۱۲-۲	آمار واردات قند و شکر تصفیه شده یا تصفیه نشده در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴	۱۳۸
۱۳-۲	عملکرد کارخانه‌های قند و شکر چغندری و نیشکری در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴	۱۳۹
۱۴-۲	آمار واردات دانه‌های روغنی در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳	۱۴۴

بخش یکم

انقلاب ۱۳۵۷ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

از آغاز تاکنون

(۱) مقدمه

بیشتر دگرگونی‌های اجتماعی بزرگ جهان، هم خاستگاه اقتصادی و اجتماعی ویژه‌ای دارند، و هم پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی ویژه. گاه پی‌آمدهای اقتصادی یک دگرگونی بزرگ می‌تواند با پدید آوردن شرایط اجتماعی ویژه، خاستگاهی باشد برای یک دگرگونی اقتصادی و اجتماعی تازه. در صد و ده سال گذشته، ایران دو انقلاب پیروزمند وابسته به هم، دو کودتای نظامی کامیاب، چند کودتای نظامی ناکام، چند کودتای سیاسی آرام و پیروز اما در پرده و پوشیده، چندین جنبش سیاسی و اجتماعی، و چندین قیام و ناآرامی شکست‌خورده را به خود دیده است. جستارمآیه کتابی که در دست دارید، بررسی گذرای دگرگونی‌های اقتصادی ایران پس از انقلاب مشروطیت است که خود، انقلاب ۱۳۵۷ را در پی داشته است. اما اینکه دگرگونی‌های اقتصادی پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز یک انقلاب اجتماعی دیگری را در پی داشته باشد یا نه، نیازمند نگاهی ژرف‌تر به مفهوم انقلاب است که شاید در جای دیگری به آن پردازیم. اما با یافته‌ها و تجربه‌های تا کنونی، گرچه انقلاب ۱۳۵۷ را می‌توان یک انقلاب اجتماعی بزرگ و یکی از چهار انقلاب بزرگ جهان به‌شمار آورد، شاید در آینده‌ای نزدیک دیگر نه برای ایران چنین پدیده‌ای پیش‌بینی‌پذیر باشد، و نه برای جهان. یکی از معیارهای شناسایی هر انقلاب اجتماعی، دگرگونی در حقوق مالکیت، جایگاه طبقه‌های اجتماعی فرمانروا، و نیز سرشت تاریخی این طبقه‌ها است که دست‌کم در ایران، نمی‌توان چشم به راه آن بود. اما دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی چشمگیر در آینده نه چندان دور کشور، شاید رخ دهد. انقلاب ۱۳۵۷ نیز پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی تلخ و شیرین، و نیروهای پیش‌برنده و بازدارنده گوناگونی داشته است که آنها را دست‌کم از زمان روی کار آمدن رضاشاه

تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ به چند گروه می‌توان دسته‌بندی کرد. نخست نیروهای چپ که حضور آنها در پهنه سیاسی ایران هم‌هنگام است با سال‌های پس از انقلاب مشروطیت و برپایی حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۲۰. بیشتر این نیروها خواهان فرمانروایی طبقه کارگر و سرنگونی طبقه سرمایه‌دار بودند. نمود اندیشگی این نیرو را از سال‌های پایان نخستین جنگ جهانی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اکتبر، در سراسر ایران می‌توان دید. در آن هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، الگوی جنبش‌های انقلابی جهان شده و جای الگووار انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه را گرفته فته بود. پس از شهریور ۱۳۲۰، حزب توده ایران در مهرماه همان‌سال برپایه سنت پیشین سوسیال‌دموکراسی ایران برپا شد، و تا هنگام فروپاشی‌اش در سال ۱۳۶۲ پریشینه‌ترین حزب سیاسی ایران بود. این حزب تا آستانه پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، از نظر تاکتیکی هیچ‌گاه شعار انقلاب اجتماعی را نداده بود و بیشتر یک حزب اصلاح طلب به‌شمار می‌رفت. دست‌کم تا آغاز زمستان سال ۱۳۵۷، هنوز هیچ‌کس نمی‌پنداشت که به‌راستی یک انقلاب اجتماعی در را می‌کوبد. خواجه خضر با جام آب حیوان، در کوچه‌ها پرسه می‌زد اما تشنگان او را نمی‌دیدند و نمی‌شناختند. برداشت شاه هم از آن صدایی که شنیده بود، همان شورش و تظاهرات عمومی بود، نه صدای زیر و رو شدن و شکستن استخوان یک نظام سیاسی دست‌کم ۲۵۰۰ ساله و کمابیش نابودی بخش خصوصی مدرن و صنعتی اقتصاد ایران.

دومین نیروی سیاسی مخالف فرمانروایی پهلوی تا آستانه انقلاب ۱۳۵۷، بخشی از نیروهای لیبرال و دموکرات بودند که بیشتر هوادار چیرگی اقتصاد آزاد و بخش خصوصی بر سیاست جامعه بودند. بیشترین نمود این گروه از سال ۱۲۹۹ تا آستانه انقلاب ۱۳۵۷، فعالیت‌های پارلمانی، گونه‌ای لابی‌گری میان نیروهای سرشناس سیاسی، و تلاش برای این بود که «شاه باید سلطنت کند نه حکومت». ملی‌گرایان به معنای فراگیر آن یعنی هواداران استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و ناسیونالیسم ایرانی، در تمام سال‌های فرمانروایی پهلوی هم در دستگاه‌های دولتی بودند، و هم بیرون از آن. اما ملی‌گرایان لیبرال، به‌جز در سال‌های نخست‌وزیری دکتر مصدق، حضور چشمگیری در پهنه سیاست و ستیز آشکار با دستگاه فرمانروایی نداشتند.

سومین نیروی سیاسی مخالف فرمانروایی پهلوی، گروه‌های مذهبی باورمند به اسلام سیاسی و هوادار آمیزش مذهب با سیاست و فرمانروایی بودند. این گرایش با چگالی کمتر یا بیشتر، همان رویکرد مشروعه‌خواهی بود که شیخ فضل‌الله نوری،

سیدحسین مدرس و مجتبی نواب صفوی پیشگامان رسمی و سنتی آن در سال‌های ۱۲۹۹ تا پیش از سال ۱۳۴۲ بودند. این گروه نه با اقتصاد سرمایه‌داری موافق بودند و نه اقتصاد سوسیالیستی و با توجه به ساختار پیشاصنعتی کشور، بازار و سوداگری سنتی کانون اصلی فعالیت آنها بود. این نیرو به دلیل هراس از دست دادن جایگاه خود در بازرگانی سنتی، گرایش به بازرگانی و صنعت مدرن غربی نداشت. استقلال طلبی آن را نیز در همین زمینه می‌توان جستجو کرد. از میانه سال‌های دهه ۱۳۴۰، گروه دیگری نیز به اینان افزوده شد که بعدها با نام سازمان مجاهدین خلق شناخته شدند و در سال‌های پس از انقلاب، دستگاه فرمانروایی اسلامی آنها را منافق نامید. این گروه هم‌هنگام با دوری‌گزینی از دستگاه روحانیت، مدعی پیوند زدن اسلام سنتی و دانش روز بود و خود را باورمند به جامعه بی‌طبقه، و منطبق دیالکتیک هگل و مارکس وانمود می‌کرد. کتاب‌های مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی، از بنیادهای اندیشگی اینان بود. گرایش اقتصادی آنها را نیز باید همسو با همین نیروها یعنی هوادار اقتصاد صنعتی، اما نه در مقیاس‌های بزرگ جهانی دید. نیروهای مذهبی هوادار آیت‌الله خمینی نیز دست‌کم از سال ۱۳۴۲ به این سو، ستیزی آشتی‌ناپذیر با رژیم پهلوی داشتند و بر آن بودند که «شاه باید برود». خاستگاه اندیشگی و نیروهای اجتماعی آنان را نیز می‌توان در همان تجار سنتی خرد و کلان، بخشی از میدان‌داران میوه و تره بار، خرده مالکان و شاگردان تجار بازار دید.

سرانجام در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، نظام پادشاهی ایران در برابر جنبش ضد سلطنتی مردم و گروه‌های سیاسی تاب نیاورد و فرو ریخت. جنبش به یک انقلاب فراروید، و در کشمکش چند ماهه گاه همراه با خشونت پس از سرنگونی شاه، نیروهای هوادار آیت‌الله خمینی فزون بر چیرگی بر رژیم شاه، بر رقیبان چپ و ملی‌گرای خود نیز چیره شدند و برپایه یک همه‌پرسی در آغاز سال ۱۳۵۸، ایران «جمهوری اسلامی» شد. پافشاری آیت‌الله خمینی در جریان برگزاری رفراندوم بر اینکه «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد»، فراخوانی استراتژیک و آگاهانه به سود آن گروه بود که مَهر این بخش از انقلابی‌ها را بر اقتصاد و سیاست ایران کوبید. این مَهر از آغاز تاکنون، بر روند همه رویدادهای اقتصادی و سیاسی اثر داشته بی‌آنکه بخواهد یا بتواند از ایران یک کشور سراپا یزدان‌سالار بسازد، و یا اقتصاد کشور را به دوران پیشاسرمایه‌داری و یا حتی مناسبات اقتصادی آغاز دهه ۱۳۴۰ برگرداند. هرچه بود و با هر پی‌آمد اقتصادی که انقلاب داشت، انقلابی‌های